

درخواست طلاق به خاطر بدهی به پدرزن

اختلاف طبقاتی را جدی بگیرید

سارا شقاقی، روان شناس در این خصوص می گوید: معمولاً ازدواج هایی که در آنها هماهنگی بیشتری بین زن و شوهر وجود دارد و زوج تقریباً از همه نظر با هم در یک سطح هستند، موفق تر است و کمتر به طلاق می انجامد. تشابهاتی مانند طبقه اجتماعی، سطح تحصیلات، هم نژاد بودن و... یک ازدواج موفق را رقم می زند. ازدواجی که با تشابه روانی و اجتماعی صورت بگیرد، ازدواجی موفقیت آمیز است. بنابراین اختلاف طبقاتی می تواند یکی از عواملی باشد که دیدگاه های متفاوتی را در زندگی زناشویی به وجود می آورد.

البته اگر دو نفر از آن اندازه آگاهی لازم برخوردار باشند که این تفاوت ها را به رسمیت بشناسند، به مشکل برنمی خورند. به نظر من باید پیش از ازدواج به این اختلافات توجه کرد و آنها را در نظر گرفت تا پس از ازدواج این تفاوت ها خودش را نشان ندهد. در این گونه ازدواج ها باید پیش از عقد به این اختلاف ها توجه شود تا بعد از آن؛ زیرا طلاق عواقبی به مراتب بدتر از اختلافات یک زوج دارد.

به عقیده من زن و شوهر باید تا جایی که می توانند سعی کنند بدون در نظر گرفتن راه حل طلاق و جدایی، درصدد حل مشکلات و اختلافات شان بر بیایند. طلاق آخرین مرحله برای پایان دادن به اختلافات زوجین است. آنها در صورت بروز مشکل باید با کمک بزرگان فامیل و همچنین کارشناسان خانواده و روان شناسان در جهت حل مشکل قدم بردارند. در صورتی که این مسیر رفته و نتوانستند مشکل شان را حل کنند آن زمان می توانند به جدایی و طلاق فکر کنند. برای طلاق نباید عجله ای داشت و آن را اولین راه حل در نظر گرفت.



زوج جوان فقط به خاطر بدهی ۷۰ میلیون تومانی به پدرزن، زندگی شان از هم پاشید. وقتی مرد جوان نتوانست این بدهی را به پدرزنش پرداخت کند، همسرش نیز به دادگاه خانواده تهران رفت و درخواست طلاق خود را به قاضی دادگاه داد.

سیما فراهانی

تپش

این زن وقتی مقابل قاضی قرار گرفت، درباره ماجرای زندگی اش گفت: «آقای قاضی شوهرم از پدرم پول قرض کرده و حاضر نیست این پول را پس بدهد. الان یک سال است که ما سر این موضوع با هم جنگ و دعوا داریم و من هر روز باید جوابگوی پدرم باشم. دیگر تحمل این وضعیت برایم غیرممکن شده و می خواهم پس از گرفتن تمام حق و حقوقم از سپهر جدا شوم. یک سال پیش با سپهر آشنا شدم. از همان روزهای اول می دانستم که او وضع مالی خیلی خوبی ندارد و درآمدش متوسط است. اما من در خانواده ای بزرگ شده بودم که همیشه در رفاه کامل مالی بودیم و پدرم از هیچ چیزی در زندگی برای من و تنها خواهرم دریغ نمی کرد. با این که می دانستم سپهر وضع مالی خیلی خوبی ندارد و نمی تواند مثل پدرم زندگی مرفهی برایم فراهم کند، چون عاشقش بودم، تصمیم گرفتم با او ازدواج کنم. روزی که سپهر به خواستگاری ام آمد، پدرم با این ازدواج مخالفت کرد اما وقتی اصرارهای مرا دید موافقت کرد و من و سپهر به عقد یکدیگر درآمدیم. در دورانی که ما با هم نامزد بودیم یک روز سپهر بدون این که به من بگوید، پیش پدرم رفته بود و ۷۰ میلیون تومان از او قرض گرفته بود. وقتی این موضوع را شنیدم، خیلی عصبانی شدم و حتی می خواستم از سپهر جدا شوم. پدرم حرف خاصی نزد اما من خیلی ناراحت بودم. این کار او باعث شد من تصور کنم شوهرم تنها به خاطر پولم با من ازدواج کرده و قصد دارد از ثروت پدرم سوءاستفاده کند. اما آن زمان با چرب زبانی های سپهر و مظلوم نمایی هایش دلم به حالش سوخت و از تصمیم منصرف شدم. سپهر به من گفت برادرش به چند نفر بدهکار شده و برای این که به زندان نیفتد، این پول را از پدرم قرض گرفته و قول داد خیلی زود آن را پس بدهد. من هم از روی ناچاری قبول کردم و از پدرم عذرخواهی کردم و به او قول دادم خیلی زود سپهر این پول را به او پس می دهد. از آن زمان تا الان یک سال می گذرد، ولی هنوز هم سپهر نتوانسته قرضش را به پدرم ادا کند. پدرم به این پول احتیاجی ندارد ولی من از کار سپهر خجالت می کشم. هر بار از او می خواهم این پول را از برادرش بگیرد و به پدرم پس بدهد، می گوید برادرش هیچ پولی ندارد و نمی تواند این بدهی را به پدرم پس بدهد. برای همین بعد از گذشت یک سال جنگ و دعوا تصمیم گرفتم به دادگاه بیایم و از سپهر جدا شوم. او نمی تواند مرد زندگی من باشد. در ادامه شوهر این زن نیز به قاضی گفت: «آقای قاضی مشکل همسرم بدهکاری من به پدرش نیست. او به خاطر اختلاف طبقاتی که با هم داریم از زندگی با من خسته شده و من این را متوجه شده ام. این بدهی برای من به یک کابوس تبدیل شده و از همان دوران نامزدی من تا الان سر همین موضوع زندگی برایم جهنم شده است. راستش من هم از این موضوع خسته شده ام. ۷۰ میلیون تومان برای پدرزنم پولی نیست و به آن نیازی ندارد اما همسرم مدام بحث این پول را پیش می کشد و دعوا به راه می اندازد. من از پدرزنم خواسته بودم موضوع این پول را به دخترش نگویم اما او به خواسته من عمل نکرد و با گفتن این موضوع، دعوا راه انداخت. فکر می کنم پدرزنم از قصد این کار کرد تا رابطه من و همسر را خراب کند. بعد از حرف های این زوج، قاضی سعی کرد آنها را از طلاق منصرف کند. او این زوج را راضی کرد تا برای حل شدن مشکل شان به مشاوره خانواده بروند.

آراستگی پوشش کارمندان خود را به باسپارد

پوشاک فرم

اولین ارائه دهنده تخصصی پوشاک ادارات



آدرس فروشگاه: تقاطع خیابان ولیعصر و طالقانی، مجتمع تجاری نور تهران، طبقه سوم تجاری، شماره ۹۰۶۷

تلفن: ۰۲۱-۸۸۲۲۶۰۳۵ همراه: ۰۹۱۳۷۰۱۵۱۲۲

@form1

manto_uniform

www.form1.ir

formiran@yahoo.com

شناختن شما

سردبیر:

محمد غمخوار

همکاران

این شماره:

لیلا حسین زاده

هلیا نصرتی

امیرعلی حقیقت طلب

مجید غمخوار

زینب علیپور طهرانی

معصومه ملکی

سیما فراهانی

احسان نجفی

صفحه آرای:

مجتبی بختیاری

رسانه های نو:

رضا آریین

تپش را در شبکه های

اجتماعی دنبال کنید

@TAPESH_JAMEJAM

